

نابرابری فضایی سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی استان
خراسان رضوی

Spatial Inequality of Social Capital in Rural Areas of
Khorasan Razavi Province

Samira Mahmoodi¹, Abdolreza Roknedine Eftekhari²

Introduction: What the analysis of social capital in rural areas is can be achieved by the concept of social capital, particularly with spatial dimensions it can be defined as a comprehensive approach to achieving social stability in rural areas. Therefore, the necessary condition for the development of any society, especially rural communities, is a comprehensive development, the establishment of warm relations, the development of social cohesion, the development of social participation and, most importantly, mutual trust (individual, society and government), which this structure they are components of social capital that are understood in the context of space / spatial. The study of social capital in space / spatial is a new attitude that geography science is its shareholder and as a distinction with other sciences. Some sociologists have pointed out in their studies that social relations are based

سمیرا محمودی^۱، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری^{۲*}

مقدمه: آنچه که از واکاوی نوشته‌های سرمایه اجتماعی روستاها به دست می‌آید این است که مفهوم سرمایه اجتماعی به‌ویژه با بُعد فضایی می‌تواند به‌عنوان رهیافتی جامع برای تحقق پایداری اجتماعی مناطق روستایی به حساب آید.

روش: در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی و پیمایش استفاده شد. حجم نمونه به شیوه تصادفی طبقه‌بندی شده در محیط GIS و توسط ابزار Hawth's Analysis Tools (توسط این ابزار روستاها با در نظر گرفتن موقعیت طبیعی، فاصله تا نزدیکترین شهر و تعداد خانوار طبقه‌بندی شدند) مجموعاً ۱۸ روستا با تعداد ۳۷۸ نفر به‌دست آمد. ابزار تحقیق پرسشنامه است. میزان روایی گویه‌های تبیین‌کننده سرمایه اجتماعی با استفاده از آماره آزمون بارتلت و KMO برابر ۰/۷۱ و ضریب آلفای کرونباخ به‌دست آمده نیز ۰/۸۹ است.

یافته‌ها: روستاهای دیزادیز، گوهردشت، قله‌زو، برآباد، شوراب و خیرآباد دارای سرمایه اجتماعی زیاد؛ روستاهای گرماب، گرو، کریم، آبگهی، جابوز و سده دارای سرمایه اجتماعی متوسط؛ و روستاهای استای، حصار، مریچگان، صنفی‌آباد، رباط و پیوه‌ژن

1. Ph.D.Geography and Rual planing
<Samir.mahmoodi65@gmail.com>
2. Ph.D.Geography and Rual planing

* دکتر جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گیلان،
(نویسنده مسئول)، <Samir.mahmoodi65@gmail.com>
**دکتر جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت
مدرس

on spatial, which makes a difference. In other words, society is necessarily built in spatial, and the spatial organization of society plays a role in how society functions. Some studies have shown that rural areas have a much lower social capital than urban areas. In relation to Iran's villages, in the past, the level of solidarity and social cohesion, participation, and trust has been higher due to the homogeneous environment and the ethnic relationships that villagers have with each other. But today, each of these concepts in rural areas have become faint in terms of bridging social capital.

Method: The methodology in this study is an analytical methodology based on qualitative and quantitative methods. The sample size was selected by stratified random sampling in the GIS by means of Hawth's Analysis Tools (6 villages from each stratum), that a total of 18 villages with 378 people were selected from total villages in Khorasan Razavi province. The research tool is a survey and a questionnaire. Validity of social capital questionnaire by Bartlett test and KMO was 0.71 and 0.79 for Cronbach's alpha coefficient. In order to select social capital indicators, the indexes were indexed initially with a critical analysis of the studies carried out and in the second step;

دارای سرمایه اجتماعی کم هستند. همچنین وضعیت شاخصهای سرمایه اجتماعی به تفکیک طبقات موردمطالعه نیز نشان داد، طبقه اول (روستاهای دشتی با فاصله اندک از شهر و تعداد خانوار زیاد)، بالاترین میانگین را در ارتباط با شاخصهای مشارکت، شبکه‌های اجتماعی، عضویت در نهادهای دولتی/خصوصی و مردم‌نهاد، رضایت از عملکرد نهادها و نیز آگاهی و دانش بومی و رسمی دارا هستند؛ طبقه دوم (روستاهای دامنه‌ای با فاصله متوسط از شهر و تعداد خانوار در سطح متوسط)، تنها در ارتباط با شاخص همبستگی اجتماعی میانگین بالایی را به خود اختصاص داده‌اند؛ و طبقه سوم (روستاهای کوهستانی با فاصله زیاد از شهر و تعداد خانوار اندک)، به لحاظ هنجارهای اجتماعی، اعتماد و امنیت از وضعیت بسیار مطلوبی برخوردارند. اولویت‌بندی روستاهای نمونه با مدل تاپسیس نیز نشان می‌دهد، روستاهای دیزادیز (قوچان) و پیوهژن (مشهد) به ترتیب دارای بیشترین و کمترین سرمایه اجتماعی هستند.

بحث: مناطق روستایی از کمبود سرمایه اجتماعی که راهکاری مؤثر جهت دستیابی به توسعه پایدار روستایی است، رنج می‌برند. بخشی از نابرابری فضایی سرمایه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه ناشی از تفاوت در میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی درون‌گرومی و سرمایه اجتماعی برون‌گرومی است. کم‌توجهی و سرمایه‌گذاری اندک در زمینه تقویت و توسعه سرمایه اجتماعی برون‌گرومی از جمله اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی ضعیف روستاییان در ارتباط با نهادهای غیررسمی و داوطلبانه، روابط و تعاملات اندک و ناپیوسته،

the primary indicators were screened to identify the social capital indicators in sustainable rural development and were limited to the main index. Then, these indices were analyzed according to their frequency in different sources and the main indicators were extracted. Then a questionnaire was prepared of these indices. Finally, by conducting surveying experts and scientific experts of the country, a suitable and indigenous collection of social capital indicators in rural areas was presented.

Findings: The TOPSIS technique to ranking well in the rural areas of the sample were classified that Dizadiz, Gohardasht, Gholezu, Barabad, Shurab and Kheirabad with high social capital; Garmab, Goruh, Keriz, Abgahi, Jabuz and Sedeh intermediate social capital and so Ostay, Hesar, Merichegan, Safiabad, Robat and Pivejan with low social capital. Also the results show that Dizadiz is the highest social capital and Pivejan the lowest social capital. Also, the status of social capital indicators by the classes studied also showed that the first group (plain villages with a little distance from the city and a large number of households) has the highest average in relation to participation indicators, social networks, membership in NGO

شبکه‌های اجتماعی ضعیف، فراهم‌نبودن زمینه مشارکت روستاییان در برنامه‌ریزیهای مختلف مربوط به روستا و ... و به‌طورکلی شرکت‌ندادن روستاییان در بازیهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سبب عدم توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی روستاها در منطقه مورد مطالعه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، تابسیس، نابرابری فضایی، روستاهای خراسان رضوی.

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۱۵

مقدمه:

سرمایه اجتماعی موضوع نسبتاً جدیدی است که به‌ویژه در سالهای اخیر توجه بسیاری از محققین حوزه‌های مختلف علمی را به خود جلب کرده است. این نظر که روابط اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و ارزشها در عملکرد و توسعه یک جامعه مهم‌اند، زمان بسیاری است که در ادبیات اقتصاد، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی، علوم جغرافیایی و توسعه و برنامه‌ریزی روستایی وجود دارد. اما در ده سال گذشته و یا بیشتر، سرمایه اجتماعی این نگرشهای مختلف و موجود در این چند رشته را هماهنگ کرده است (توسلی

and public institutions, the satisfaction of institutions, as well as knowledge. The second group (foothill villages and with a medium distance from the city and a medium of households) have a high average in relation to the social solidarity index, and the third group (Mountainous villages with far away from the city and the little households) have a very favorable situation in terms of social norms, trust and security. The results show that of the 18 villages studied Dizadiz is the highest social capital and Pivejan the lowest social capital.

Discussion: the rural areas suffer of lack of social capital that is one of the most important types of development capitals and as a strategy for achieving rural sustainable development. Part of the social inequality of social capital in the studied villages is due to the difference in the level of bonding social capital and bridging social capital. Lack of investment and attention in strengthening and developing of bridging social capital Including scant Awareness and informing villagers about informal and voluntary organizations (NGOs), little and discontinuous relationships and interactions, poor social networks, lack of provision for participa-

و موسوی، ۱۳۸۴). با وجود مسائلی که در زمینه تعریف سرمایه اجتماعی شناسایی شده است، نمی‌توان انکار کرد که اندیشه سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک رهیافت برای ریشه‌کن کردن فقر و افزایش رفاه خانوار در مناطق عقب‌افتاده، به‌ویژه در مناطق روستایی فقیر در کشورهای در حال توسعه مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. بنابراین، درک این موضوع برای دستیابی به یک بصیرت و آگاهی به منظور پیوند بین سرمایه اجتماعی و رفاه خانوارهای روستایی؛ نه تنها از این جهت که به مفاهیم قابل بحث در ارتباط با توسعه اجتماع محلی / روستا نائل شویم، بلکه به منظور بهبود یک چارچوب مفهومی مفید برای ایجاد استراتژیهای مؤثرتر در زمینه توسعه اجتماع محلی / روستا؛ پراهمیت است. در تعریف از سرمایه اجتماعی با رویکرد «معیشت پایدار»، وزارت توسعه بین‌المللی انگلستان^۱ تصریح کرد که فاکتورهای مقدماتی برای تعیین سطح معیشت خانوار شامل سرمایه طبیعی، سرمایه انسانی،

1. the Department for International Development of the United Kingdom

tion of villagers in various planning and In general, the lack of participation of villagers in social, economic, and political actions has led to the lack of development and strengthening of bridging social capital among rural areas studied. Therefore, achieving the desired state of social capital and reducing the spatial inequalities of social capital requires filling the gap between bonding social capital and bridging social capital in rural areas. The important issue that our rural areas are extremely confronted and can be considered as one of the main reasons for the mustiness of rural areas in Iran.

Keywords: Khorasan Razavi province, Social capital, spatial inequality, TOPSIS model

سرمایه فیزیکی، سرمایه مالی و سرمایه اجتماعی می‌شود. در بین این فاکتورها، سرمایه اجتماعی به لحاظ زمینه‌ساز بودن با شاخصهای ترکیبی می‌تواند جایگزین چهار نوع دیگر سرمایه شود (ساکاتا، ۲۰۰۲؛ دی اف آی دی، ۱۹۹۹). با این مفهوم فراگیر است که اصطلاح سرمایه اجتماعی به‌طور وسیع توسط محققین و سیاست‌گذاران به‌عنوان یک مفهوم مناسب در محتوی، در ارتباط با توسعه جوامع مورد توافق واقع شده است (یوکویاما و ایشیدا، ۲۰۰۶). از سوی دیگر، مطالعه سرمایه اجتماعی در بطن مکان/ فضا، نگرش جدیدی است که

علم جغرافیا سهام‌دار آن است و به‌عنوان وجه تمایز آن با سایر علوم تلقی می‌شود. برخی جامعه‌شناسان در مطالعات خود اشاره کرده‌اند که روابط اجتماعی، روی فضا بنا می‌شود و این امر تفاوتی به‌وجود می‌آورد. به سخن دیگر، جامعه الزاماً به لحاظ فضایی ساخته می‌شود و سازمان فضایی جامعه در خصوص چگونگی عملکرد جامعه، نقشی ایفا می‌کند. سه جغرافیدان معاصر، جانسون، ناکس و کوتس، مطالعه نابرابری را کانون جغرافیای نو می‌دانند (شکویی، ۱۳۹۱). نابرابری فضایی به شرایطی اطلاق می‌شود که واحدهای جغرافیایی درزمینه

1. Sakata
2. DFID
3. Yokoyama and Ishida

برخی متغیرها، در سطوح متفاوتی قرار دارند (کنبور و ونابلس^۱، ۲۰۰۵؛ به نقل از یغفوری و همکاران، ۱۳۹۶). به عبارت دیگر، از منظر تئوری، نابرابری فضایی اساساً توسط تصمیمات مکانی انجمنها و خانوارها تعیین می‌شود. دلایل زیادی وجود دارد که سیاست‌گذاران ممکن است نگران نابرابریهای فضایی باشند. از نقطه نظر کارایی و اثربخشی، سیاست‌گذاران در پی آن هستند تا سطح مطلوب نابرابری فضایی را به دست آورند (کیم^۲، ۲۰۰۸).

برخی مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد، مناطق روستایی از سرمایه اجتماعی به مراتب پایین‌تری نسبت به مناطق شهری برخوردار هستند. در ارتباط با روستاهای ایران به نظر می‌رسد، در گذشته میزان همبستگی و انسجام اجتماعی، مشارکت، اعتماد، به دلیل محیطهای همگن و روابط قومی و خویشاوندی که روستاییان با یکدیگر داشته‌اند، بیشتر بوده است. ولیکن امروزه هر یک از این مفاهیم در روستاها به‌ویژه از جنبه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی تاحدی رنگ باخته‌اند. انزوای جغرافیایی در برخی مناطق، توجه نکردن به روستاها و روستاییان در امر توسعه و برنامه‌ریزی و وجود سیاست برنامه‌ریزی از بالا به پایین و به‌طور کلی در حاشیه قراردادن روستاها، منجر به شکل‌گیری جوامعی با اعتماد اجتماعی کمتر، مشارکت کمتر، برخورداری از دانش و آگاهی کمتر، روابط اجتماعی محدودتر و ... شده است و این موارد سبب شده تا روستاهای ایران از سرمایه اجتماعی برون‌گروهی پایینی برخوردار باشند، درحالی‌که هنوز از نظر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در سطح نسبتاً مناسبی هستند؛ لذا به علت نقش و اهمیتی که سرمایه اجتماعی، به‌ویژه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در خلال مباحث توسعه‌ای دارد، می‌توان اذعان داشت، این روستاها از سطح توسعه‌یافتگی پایین‌تری نیز برخوردار هستند. به پیروی از همین نوع نگاه، ما شاهد روستاهای عقب‌افتاده‌ای در گستره جغرافیایی خراسان بزرگ هستیم. همچنین استان خراسان رضوی به‌عنوان منطقه

1. Kanbur and Venables
2. Kim

مورد مطالعه، از تنوع محیطی خاص (دارای روستاهای کوهستانی، دشتی، دامنه‌ای، جلگه‌ای و ...)، پهنه‌ای وسیع و نیز تنوع فرهنگی، زبانی، قومی، نژادی و اقتصادی ویژه‌ای برخوردار است که موقعیت منحصر بفردی را به طور اعم در ارتباط با نابرابری فضایی و به طور اخص نابرابری فضایی سرمایه اجتماعی ایجاد کرده است. لذا با الهام از این مباحث، تحلیل فضایی سرمایه اجتماعی، به عنوان شکافی در مطالعه این مفهوم، ما را بر این داشت تا ضمن بررسی کم و کیف سرمایه اجتماعی، به تحلیل فضایی و رتبه‌بندی آن در مناطق روستایی استان مذکور به عنوان نقطه عطفی در مطالعه این مفهوم بپردازیم؛ چنانکه نتایج این مطالعه زمینه‌های جدیدی را در فهم نابرابری سرمایه اجتماعی در متن جامعه روستایی ایران معرفی می‌کند.

مبانی نظری

سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی جهت «کنش جمعی» تلقی می‌شود که در آن علاوه بر آگاهی، توجه به امور عمومی، اجتماعی و سیاسی نیز از ضروریات آن است. به سخن دیگر، ثنوری سرمایه اجتماعی شرحی است برای اینکه افراد چگونه از ارتباط با دیگران در جامعه سود ببرند. با این توصیف می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی ماهیت روابط اجتماعی و پیامدهای حاصل از آن را در جامعه شرح می‌دهد (آدگر، ۲۰۰۳). پیران و همکارانش (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «کارپایه مفهومی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)» در بحث از تعاریف سرمایه اجتماعی به سی‌وهفت تعریف بین سالهای ۱۸۸۵ که توسط مارکس در جلد اول «سرمایه» ارائه شده است تا ۲۰۰۵ که بوسیله موریل مینات مطرح شده است، اشاره می‌کنند. وجه مشترک تمامی این تعاریف سعی در پاسخ به این پرسش بنیادین علوم اجتماعی با پارادایم توسعه است که؛ - از چه روی آدمیان گرد هم می‌آیند و با وجود منافع متضاد، در سطحی وسیع‌تر منافع مشترک پیدا می‌کنند و انواع گروه‌بندی جمعی را شکل

می‌دهند و برای حفظ آن به جان می‌کوشند؟ (پیران و همکاران، ۱۳۸۵).

به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی بیانگر کم‌وکیف روابط اجتماعی و نحوه تعاملات کنشگران اجتماعی است. وزن و تنوع روابط و تعاملات اجتماعی در مقیاسهای خرد، میانی و کلان تعیین‌کننده میزان سرمایه اجتماعی است (غفاری، ۱۳۹۰). ولکاک، در سال ۱۹۹۸ با پیروی از تقسیم‌بندی پاتنام به دو نوع سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و بین‌گروهی اشاره می‌کند و در این باره می‌گوید که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، گره‌های درونی اجتماع است که افراد فقیر را در جامعه روستایی قادر می‌سازد تا بتوانند از منابع، امکانات و مساعدتهای اجتماع خود به بهترین شکل ممکن بهره‌مند شوند و سرمایه اجتماعی بین‌گروهی، شبکه‌های روابط اجتماعی بیرونی مانند پیوند با کارشناسان و مأموران ترویج کشاورزی، فروشندگان نهادها و تجهیزات، حامیان مالی و سازمانهای غیردولتی (NGO)، افراد و گروهها را قادر می‌سازد تا از منابع اطلاعاتی و حمایتی بیرونی بهره‌مند شوند (ولکاک، ۱۹۹۸؛ هارپر، ۲۰۰۲). به عبارت دیگر، اجتماعاتی که از نعمت مجموعه گوناگونی از شبکه‌های اجتماعی و انجمنهای مدنی برخوردارند در وضعیت محکم‌تری در روبرویی با فقر، آسیب‌پذیری و حل اختلاف قرار دارند و بهتر می‌توانند از فرصتهای جدید بهره ببرند. در واقع سرمایه اجتماعی از تعاملهای روزمره بین افراد به وجود می‌آید و به تنهایی در فرد یا ساختار اجتماعی نهفته نیست، بلکه در فضای تعامل بین افراد وجود دارد. دارایی سازمان، بازار و یا دولت نیست، هر چند که همه آنها در تولید آن سهیمند (اونیکس و بولن، ۱۹۹۸). مطالعاتی که در آن شاخصهای سرمایه اجتماعی مشهود است، نشان داده‌اند مردم محلی / روستاییان به‌طور باورنکردنی دارای انگیزه کافی برای مشارکت با تعهد واقعی برای همکاری با عاملان نهادی

1. Woolcock
2. Harper
3. Onyx and Bullen

در طرحهایی که منجر به تغییرات پایدار در کشاورزی و مدیریت منابع می‌شود هستند (کروما و فلورا^۱، ۲۰۰۱)؛ این همکاریها، دسترسی به دامنه وسیعی از منابع بیرونی از طریق شبکه‌های بیرونی توسعه یافته را میسر می‌سازد (کیلیپاتریک^۲، ۲۰۰۴؛ فیروزجانی^۳، ۲۰۰۷). در حالی که در بیشتر مطالعات اخیر بر روی درک تأثیر نهادها بر رشد و توسعه جوامع تمرکز شده است، تفاوت‌های منطقه‌ای در کیفیت نهادها نیز ممکن است به‌طور قابل توجهی در توسعه اجتماعی و اقتصادی منطقه‌ای در جوامع مختلف تأثیرگذار باشد (بنرجی و آیر^۴، ۲۰۰۵؛ کاپور و کیم^۵، ۲۰۰۶؛ کیم، ۲۰۰۷؛ برون و گالگو^۶، ۲۰۰۷؛ کیم، ۲۰۰۸). همچنین از سوی دیگر، فاکرسون و تامپسون بر این باورند که سرمایه اجتماعی نظریه‌ای است که در حال گذار به یک پارادایم با ویژگیهای منحصر به فرد می‌باشد. هر چند بنا به ماهیتی که سازه سرمایه اجتماعی دارد، شاهد دیدگاههای متنوع و حتی متعارضی در خصوص سرمایه اجتماعی هستیم؛ با این حال بحثهای نظری مطرح شده را می‌توان در قالب دو سنت نظری-هنجاری دیدن سرمایه اجتماعی و توجه به سرمایه اجتماعی به‌عنوان نوعی منبع، مورد واکاوی قرار داد. سنتی که سرمایه اجتماعی را به‌صورت هنجاری دیده، آن را اکسیری برای همه دردها معرفی می‌کند که از هانین، پاتنام و کلمن می‌توان به‌عنوان صاحب‌نظران این سنت یاد کرد و سنتی که سرمایه اجتماعی را به‌عنوان یک منبع می‌شناسد؛ بر این باور تأکید دارد که سرمایه اجتماعی می‌تواند در خلق و یا حفظ نابرابری، مورد استفاده قرار گیرد. بوردیو و گرانویتر در این سنت قرار می‌گیرند (فالکرسون و تامپسون^۷، ۲۰۰۸).

1. Kroma and Flora

2. Kilpatrick

3. Firouzjaie

4. Banerjee and Iyer

5. Kapur and Kim

6. Bruhn and Gallego

7. Fulkerson and Thompson

جدول (۱) برخی از مطالعات انجام گرفته در سرمایه اجتماعی

ردیف	نام پژوهشگر	سال	نام کشور / منطقه	شاخصها	مبنای نظریه‌ای
۱	گروتانرت و نارایان ^۱	۲۰۰۰	بولیوی	عضویت در سازمانها و نهادهای محلی	سرمایه اجتماعی به کاهش فقر و افزایش رفاه کمک می‌کند. علاوه بر این، بازگشت به سرمایه اجتماعی بیشتر مربوط به کسانی که از آموزش بالاتر برخوردار بودند.
۲	نارایان و کاسیدی ^۲	۲۰۰۱	غنا و اوگاندا	ویژگیهای گروهی، هنجارهای تعمیم‌داده شده، باهم بودن، معاشرت روزمره، ارتباطات همسایگی، فعالیتهای داوطلبانه و اعتماد	شاخصهای سرمایه اجتماعی به‌عنوان ابعاد اساسی سرمایه اجتماعی مورد تأیید قرار گرفته بود.
۳	رید و سالمن ^۳	۲۰۰۲	مالی	اعتماد و همبستگی اجتماعی	موفقیت خدمات بسیط کشاورزی به درجه‌ای از سرمایه اجتماعی (انسجام) در سطح روستا و کیفیت عوامل بسیط کشاورزی وابسته بوده است.
۴	دایز ^۴ و همکاران	۲۰۰۲	پرو	مشارکت، اعتماد و ارتباط اجتماعی	گرایش قابل توجهی ایجاد شده مبنی بر اینکه توسعه اقتصادی و امنیت غذایی بالا باشد زمانیکه سرمایه اجتماعی بالا است.
۵	بینام ^۵ و همکاران	۲۰۱۱	کامرون	عضویت در انجمنها	به نقش سرمایه اجتماعی در افزایش انگیزه برای تولید کشاورزی کارآمد پی برده شد.
۶	مارتین ^۶ و همکاران	۲۰۰۴	امریکا	اعتماد، عمل متقابل و شبکه‌های اجتماعی	خانوارهای با سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی بعید است که به گرسنگی دچار شوند.
۷	وو و پرتی ^۷	۲۰۰۴	چین	ارتباط اجتماعی	خانوارهای با روابط اجتماعی به احتمال زیاد به پذیرش دامنه جدیدی از تکنولوژی متمایل بودند و از اینرو درآمد بالاتری داشته‌اند.
۸	کرامب ^۸	۲۰۰۵	فیلیپین	مشارکت و عضویت در گروهها	تشکیلات سرمایه اجتماعی، تلاشهای جمعی برای حفاظت از خاک را افزایش داده است. با این حال، تداوم حمایت می‌تواند برای حفظ سهم سرمایه اجتماعی موردنیاز باشد.

1. Kapur and Kim

4. Grootaert and Narayan

7. Daiz

2. Bruhn and Gallego

5. Narayan and Cassidy

8. Binam

3. Fulkerson and Thompson

6. Ried and Salmen

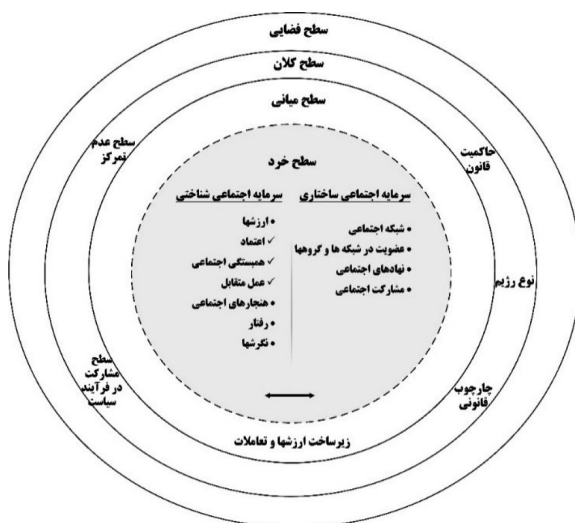
برابر مطالعه، ناکارآمدی فضاگرایی دهه ۶۰ در اثر عواملی از قبیل پیشرفت فیزیک نوین، ظهور فرهنگهای متفاوت در شرایط جغرافیایی یکسان، اهمیت عوامل انسانی و تسلط روزافزون انسان بر طبیعت که در کل با هرگونه فضاگرایی و تحلیل تک‌عاملی جبرگرایانه چالش داشت، واکنشهایی برانگیخت. یک طرف طیف این واکنش را مارکسیستها با تعبیر خاصی از مارکسیسم تشکیل می‌دادند که به‌طور مطلق و کامل فضا را نفی کردند. به نظر آنان، تمام روابط و فرآیندهای فضایی در واقع روابط اجتماعی‌اند که شکل فضایی پیدا کرده‌اند. این نفی مطلق به‌گونه‌ای بود که به تعبیر دورین ماسی، این عبارت که «فضا یک سازه اجتماعی است» کلمه قصار دهه ۷۰ بود. فضا از طریق روابط اجتماعی و رفتارهای اجتماعی مادی ساخته می‌شود. در این بین، جغرافیدانان صرفاً نقشه‌برداران علوم اجتماعی‌اند که آثار فرآیندهایی را که در رشته‌های دیگر مثل جامعه‌شناسی، اقتصاد و غیره، تحلیل می‌شوند نقشه‌برداری می‌کنند. آنچه جغرافیدانان ترسیم می‌کنند، یعنی شکل فضایی روابط اجتماعی جالب است، اما فاقد هرگونه ارزش مادی است (ماسی^۱، ۱۹۹۲). طرف دیگر این طیف، متفکرانی بودند که این گرایش افراطی را نپذیرفته و ضمن نفی موضع جوهری فضا، موضع ربطی یا نسبی اتخاذ کردند. حوادثی که در دهه ۸۰ اتفاق افتاد، مجدداً جغرافیا را مطرح ساخت و کلمه قصار دهه ۷۰ جای خود را به کلمه قصار جدید داد و آن اینکه «اجتماعی نیز یک سازه فضایی است» و اینکه فضا نیز تفاوتی ایجاد می‌کند. فضا یک سازه اجتماعی است؛ اما روابط اجتماعی نیز روی فضا بنا می‌شود و این امر تفاوتی به‌وجود می‌آورد. به سخن دیگر، جامعه الزاماً به لحاظ فضایی ساخته می‌شود و سازمان فضایی جامعه در خصوص چگونگی عملکرد جامعه، نقشی ایفا می‌کند. به‌طورکلی یکی از اتهاماتی که بر اندیشمندان اجتماعی وارد می‌سازند، این است که این متفکران به هیچ وجه فضا را وارد معادلات نظری خود نکرده‌اند. آنتونی گیدنز جامعه‌شناس معروف معاصر و مبتکر نظریه ساختاربنندی در اثر

1. Massey

خود تحت عنوان «مسائل محوری در نظریه اجتماعی» اظهار می‌دارد: - می‌خواهم این ادعا را مطرح کنم که اکثر اشکال نظریه اجتماعی در توجه جدی و کافی به زمان‌مند بودن رفتار اجتماعی و صفات فضایی آن کوتاهی ورزیده‌اند... نه زمان و نه مکان، هیچکدام در مرکز نظریه اجتماعی قرار ندارند- (افروغ، ۱۳۷۷). در تأیید این مطلب و اهمیت زمان و مکان در مطالعات فضایی و اجتماعی می‌توان اذعان داشت، الگوهای نابرابری فضایی احتمالاً در طول زمان تغییر می‌یابند (کیم^۱، ۲۰۰۸). به تعبیر زیمل به استثنای روابط کاملاً غیرشخصی و روابطی که متضمن احساس و عاطفه زیاد است، نوعاً مشارکت‌کنندگان برحسب آنکه به لحاظ فضایی مجاور یکدیگر یا جدا از یکدیگر باشند، ماهیت روابط اجتماعی‌شان تغییر می‌کند. روابط مبتنی بر قرابت فیزیکی شدیدتر از روابط مبتنی بر فاصله فیزیکی زیاد است. در قرابت‌های فیزیکی امکان نظارت بر روابط اجتماعی و نکته‌گیریهای گروهی بیشتر است. چون او تراکم بالا را باعث قرابت فیزیکی زیاد می‌داند طبعاً، در محله‌هایی که این تراکم بالاست روابط اجتماعی شدیدتر خواهد بود (افروغ، ۱۳۷۷).

با عنایت به مباحث مطرح شده، شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه‌ای به‌ویژه جوامع روستایی، توسعه همه‌جانبه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهم‌تر اعتماد متقابل (فرد، جامعه و دولت) است که این سازه‌ها از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستند که در بستر مکان/ فضا مفهوم می‌یابند.

1. Kim



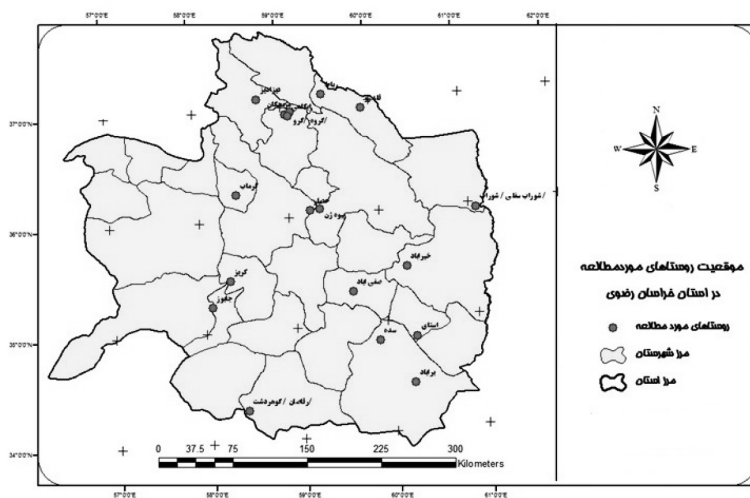
شکل (۱) مدل مفهومی پژوهش

روش

روش تحقیق موردنظر در این مقاله، با رویکرد جغرافیایی، روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر شیوه‌های کمی و کیفی است. حجم نمونه به شیوه تصادفی طبقه‌بندی شده در محیط GIS و توسط ابزار Tools Analysis Hawthth (توسط این ابزار روستاها با در نظر گرفتن موقعیت طبیعی، فاصله تا نزدیکترین شهر و تعداد خانوار طبقه‌بندی شدند) به دست آمد؛ بدین صورت که از مجموع ۱۱۶۲ روستای بالای ۲۰ خانوار در استان خراسان رضوی، تعداد ۶۷ روستا دارای تمام ملاکها و معیارهای پیشتر گفته شده بودند. بنابراین با عنایت به همگنی این روستاها در سه سطح، مجموعاً ۱۸ روستا (از هر طبقه تعداد ۶ روستا) از ۱۴ شهرستان انتخاب گردید که با استفاده از روش نمونه‌گیری کوکران تعداد ۳۷۸ نفر (از هر روستا ۲۱ نفر) حجم نمونه به دست آمد (جدول ۲ و نقشه ۱).

جدول (۲) روستاهای نمونه به تفکیک طبقات

شهرستان (به ترتیب)	روستاهای نمونه	حجم نمونه	مجموع روستاها	شاخص	طبقات
خلیل آباد، فیروزه، زاوه، خواف، تربت جام	جابوز، گرماب، صفی آباد، سده، برآباد، خیرآباد	۶	۲۴	دشتی	طبقه اول
				فاصله کم تا نزدیکترین شهر	
				تعداد خانوار زیاد	
باخرز، قوچان، کلات، کاشمر، نیشابور، مشهد	استای، دیزادیز، قله‌زو، کریز، حصار، پیوه‌ژن	۶	۲۹	دامنه‌ای	طبقه دوم
				فاصله متوسط تا نزدیکترین شهر	
				تعداد خانوار متوسط	
سرخس، چناران، چناران، گناباد، کلات	شوراب، آبگاهی، گروه، مریچگان، رقاसान/ گوهردشت، ریاط	۶	۱۴	کوهستانی	طبقه سوم
				فاصله زیاد تا نزدیکترین شهر	
				تعداد خانوار کم	



نقشه (۱) موقعیت روستاهای مورد مطالعه در استان خراسان رضوی

جامعه آماری در این تحقیق مردم محلی روستا (جامعه میزبان) بوده و ابزار تحقیق و پرسشنامه است. برای تعیین روایی پرسشنامه از آماره آزمون بارتلت و KMO استفاده شده است که براین اساس، میزان روایی گویه‌های تبیین‌کننده سرمایه اجتماعی برابر ۰/۷۱ می‌باشد (جدول ۳). همچنین بر اساس نتایج آزمون اعتبار سازه‌ای، ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده از پرسشنامه طراحی شده جهت سنجش سرمایه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه، معادل ۰/۸۹ است که بدین ترتیب پایایی یا اعتبار پرسشنامه تأیید می‌شود.

جدول (۳) محاسبه روایی پرسشنامه به تفکیک مؤلفه‌ها و شاخصهای تحقیق

<i>p</i>	آزمون بارتلت	KMO	مؤلفه‌ها
<۰/۰۰۱	۲/۲۸	۰/۷۱	سرمایه اجتماعی (کل پرسشنامه)
<۰/۰۰۱	۱/۷۱	۰/۷۸	مشارکت
<۰/۰۰۱	۲۹۲	۰/۶۸	عضویت در نهادها و سازمانهای دولتی و خصوصی
<۰/۰۰۱	۶۲۴	۰/۷۲	رضایت از عملکرد نهادها و سازمانهای دولتی و خصوصی
<۰/۰۰۱	۱/۱۴	۰/۵۸	امنیت اجتماعی و کالبدی
<۰/۰۰۱	۳۹۸	۰/۶۹	دانش و آگاهی فردی
<۰/۰۰۱	۱/۳۲	۰/۶۷	آگاهی و دانش بومی
<۰/۰۰۱	۲۹۶	۰/۷۰	هنجارهای اجتماعی
<۰/۰۰۱	۱/۲۹	۰/۷۸	اعتماد نهادی
<۰/۰۰۱	۴۷۰	۰/۷۱	اعتماد بین فردی و تعمیم یافته
<۰/۰۰۱	۱/۰۴	۰/۷۳	همبستگی اجتماعی
<۰/۰۰۱	۱/۶۷	۰/۸۳	شبکه‌های اجتماعی

به منظور انتخاب شاخصهای سرمایه اجتماعی، در ابتدا با واکاوی انتقادی بر مطالعات انجام شده، شاخصها فهرست شدند و در گام دوم، شاخصهای اولیه به منظور شناسایی شاخصهای سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار روستایی غربال شدند و به شاخص اصلی محدود شدند. سپس این شاخصها با توجه به فراوانی تکرارشان در منابع گوناگون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و شاخصهای اصلی استخراج شد. سپس پرسشنامه‌ای از این شاخصها تهیه شد و در نهایت با انجام مطالعات پیمایشی و نظرخواهی از خبرگان و متخصصان علمی کشور (شامل ۱۵ نفر از اساتید دانشگاههای تهران، تربیت مدرس، فردوسی مشهد، گیلان و موسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی) که تجربه و دانش لازم را در زمینه موضوع مورد مطالعه داشتند، انتخاب شدند، مجموعه‌ای مناسب و بومی شده از شاخصهای سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی ارائه شد (جدول ۴).

جدول (۴) مؤلفه‌ها و شاخصهای تبیین‌کننده سرمایه اجتماعی

مؤلفه‌ها	شاخصها	معرفها
مشارکت اجتماعی	مشارکت ذهنی	ذهنیت افراد نسبت به مشارکت در حل مشکلات روستا
		میزان اراده جمعی در حل مشکلات روستا
		میزان تفکر مشارکتی دولت و مردم و کارشناس برای بالا بردن ظرفیت توسعه‌ای روستا
		میزان آگاهی جمعی برای بالا بردن ظرفیت توسعه‌ای روستا
		ذهنیت افراد نسبت به مشارکت با شورای اسلامی روستا
مشارکت عینی	مشارکت رسمی	میزان مشارکت بین کشاورزان
		میزان مشورت با کشاورزان موفق روستا
		میزان مشارکت در فعالیتهای خیریه در روستا
		میزان مشارکت در فعالیتهای عام‌المنفعه روستا
عضویت در شبکه‌ها و گروهها	دولتی و خصوصی	میزان مشارکت در برنامه‌های تسهیلگری- ترویجی برای بالا بردن ظرفیت توسعه‌ای روستا
		میزان مشارکت با اعضای شورای اسلامی روستا
		میزان مشارکت در طرحهای عمرانی روستا مانند ساخت مسجد، طرح هادی روستا و ...
عضویت در شبکه‌ها و گروهها	دولتی و خصوصی	درصد عضویت در انجمنها، صنوف، اتحادیه‌ها و شبکه‌های بخش خصوصی نسبت به کل شبکه‌ها و گروههای خصوصی در روستا
		درصد عضویت در NGOها نسبت به کل شبکه‌ها و گروههای خصوصی در روستا

مؤلفه‌ها	شاخصها	معرفها
نهادهای اجتماعی	سازمانها و نهادهای خصوصی و دولتی	میزان رضایت از سازمانها و نهادهای مرتبط با فعالیتهای کشاورزی
		میزان رضایت از عملکرد نهادها و سازمانهای دولتی
امنیت	خدمات بیمه‌ای	درصد اراضی دارای بیمه محصولات کشاورزی نسبت به کل اراضی روستا
	خدمات امنیتی در روستا	میزان احساس آرامش با زندگی در روستا
		میزان احساس آرامش همسایگی در کوچه و محلات
		میزان احساس آرامش همسایگی در کسب و کار (خدمات، کشاورزی، صنعت)
امنیت کالبدی		میزان رضایت افراد از نوع طراحی خانه، کوچه، محله و خیابانها
		میزان احساس آرامش از میزان تراکم و رفت و آمد در روستا
دانش و آگاهی	فردی	میزان دانش بومی
		میزان مطالعه عمومی در طول هفته
		تعداد ساعات استفاده از اینترنت در طول هفته
	استفاده از تجارب دیگران	درصد گفتگو با والدین در طول روز
		درصد گفتگو با همکاران در طول روز
		میزان گفتگو با ریش سفیدان روستا

مؤلفه‌ها	شاخصها	معرفها
هنجارها	تعهدات و قراردادها	میزان احترام به قوانین موجود در روستا
		میزان التزام به نظام عرفی روستا
	ارزشها و نگرشها	میزان احترام به قوانین رسمی
		میزان احترام به سنتها
اعتماد	اعتماد بین فردی و تعمیم‌یافته	میزان اعتماد اعضای خانواده به یکدیگر
		میزان اعتماد به خویشاوندان
		میزان اعتماد کشاورزان به یکدیگر
		میزان اعتماد به مروجین جهاد کشاورزی
	اعتماد نهادی	میزان اعتماد به دولت
		میزان اعتماد به شورای روستا
		میزان اعتماد به شورای حل اختلاف روستا
		میزان کمک به یکدیگر در مواقع گرفتاری
همبستگی اجتماعی	تعامل و نزاع	میزان چنددستگی طایفه‌ای
		میزان روابط درون‌گروهی و بین‌گروهی
شبکه‌های اجتماعی	روابط برون‌گروهی	میزان روابط اعضای خانواده با یکدیگر
		درصد مراجعه به شهر در هفته گذشته
	درصد مراجعه به روستاهای دیگر در هفته گذشته	

یافته‌ها

بررسی شاخصهای سرمایه اجتماعی به تفکیک روستاهای مورد مطالعه گویای آن است که روستای قله‌زو با میانگین ۵۷/۲ و روستای رباط با میانگین ۵۲/۵ به ترتیب بیشترین و

کمترین میزان مشارکت را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین روستای شوراب (۳۳/۱) و خیرآباد (۲۷/۲) به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی اجتماعی؛ روستاهای دیزادین (۵۲/۴) و رباط (۴۵/۱) بیشترین و کمترین سطح اعتماد؛ سده با میانگین ۱۴/۵ و گروه با میانگین ۹/۷ بیشترین و کمترین میزان عضویت در نهادها و مؤسسات دولتی و غیردولتی/ مردمی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین به لحاظ شاخص شبکه‌های اجتماعی، روستای کریم بیشترین میانگین (۲۸/۱) و روستای مریچگان کمترین میانگین (۲۲/۸) را داشته است. هنجار اجتماعی در روستای قله‌زو با میانگین ۱۷/۵ در بیشترین سطح و همین شاخص در روستاهای رباط، صفی‌آباد و پیوه‌ژن با میانگین ۱۶/۱ در کمترین سطح خود قرار دارد. از سوی دیگر، روستای قله‌زو با ۴۴/۹ و روستای گروه با میانگین ۴۰/۹ به ترتیب از بیشترین و کمترین میزان دانش فردی و بومی برخوردارند. در ارتباط با امنیت، در بین روستاهای نمونه، حصار با میانگین ۳۷/۵ دارای کمترین میزان امنیت و روستای شوراب با میانگین ۴۳/۱ دارای بیشترین امنیت می‌باشد. همچنین رضایت از عملکرد نهادها به‌طور کلی پایین بوده و در مجموع روستای گوهردشت (۱۳/۴) رضایت نسبتاً مطلوبی از عملکرد نهادها نشان داده‌اند. همچنین وضعیت شاخصهای سرمایه اجتماعی به تفکیک طبقات موردمطالعه (به بخش روش رجوع شود)، نشان می‌دهد:

الف - طبقه اول (روستاهای دشتی با فاصله اندک از شهر و تعداد خانوار زیاد)، بالاترین میانگین را در ارتباط با شاخصهای مشارکت، شبکه‌های اجتماعی، عضویت در نهادهای دولتی/ خصوصی و مردم‌نهاد، رضایت از عملکرد نهادها و نیز آگاهی و دانش بومی و رسمی دارند.

ب - طبقه دوم (روستاهای دامنه‌ای با فاصله متوسط از شهر و تعداد خانوار در سطح متوسط)، تنها در ارتباط با شاخص همبستگی اجتماعی میانگین بالایی را به خود اختصاص داده‌اند.

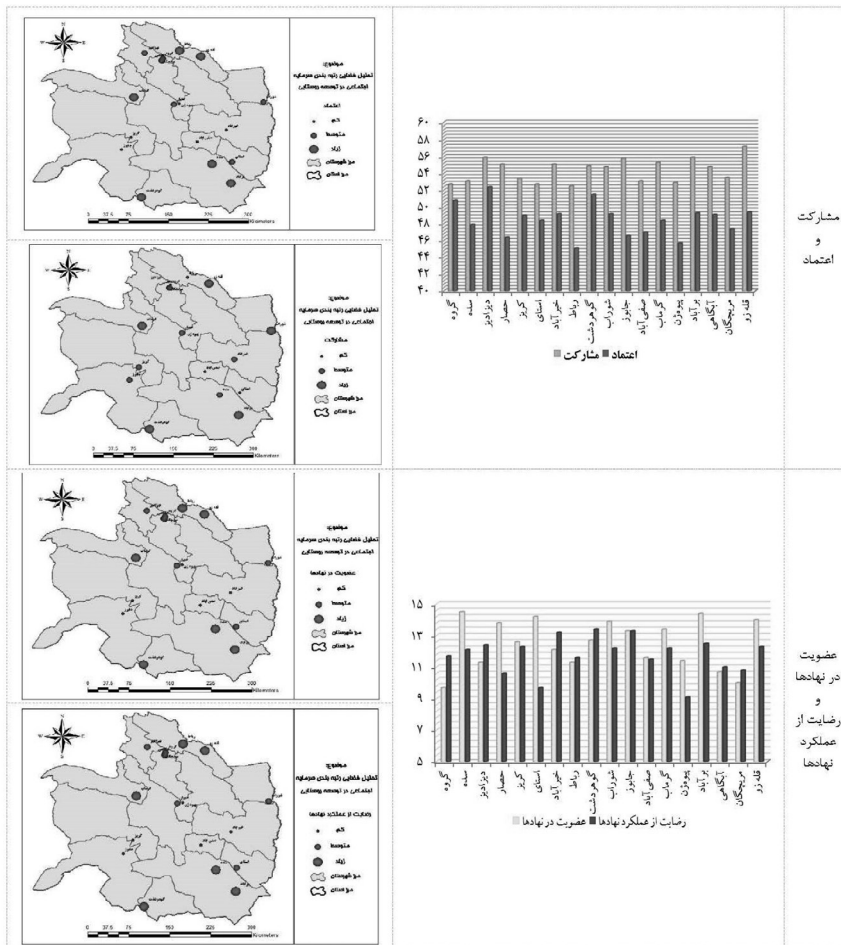
ج- طبقه سوم (روستاهای کوهستانی با فاصله زیاد از شهر و تعداد خانوار اندک)، به لحاظ هنجارهای اجتماعی، اعتماد و امنیت از وضعیت بسیار مطلوبی برخوردارند. بدین ترتیب می‌توان اذعان داشت، در بین گروههای ذکر شده، تفاوت مشخصی به لحاظ سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی متناسب با ماهیت، ویژگیها و مشخصه‌های اصلی هر گروه نمایان است. به عبارت دیگر چنانکه پیداست، روستاهایی که کوچکتر بوده و فاصله بیشتری از شهرها دارند (طبقه سوم)، هنوز نسبت به هنجارهای اجتماعی پایندی بیشتری داشته، میزان اعتماد در بین روستاییان حفظ شده و احساس امنیت بیشتری دارند که اینها مشخصه‌های بارز سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است. در مقابل، روستاهایی که بزرگ‌تر بوده و از خانوارهای بیشتر برخوردارند و همچنین به شهرها نزدیک هستند، بواسطه همین نزدیکی میزان ارتباطاتشان با شهرها بیشتر است، بنابراین ضمن دارا بودن شبکه‌های اجتماعی وسیعتر، از آگاهی و دانش بیشتری نیز برخوردارند. مشخصه‌های ذکر شده منجر به آشنایی بیشتر روستاییان با نهادهای خصوصی و مردمی گردیده است که زمینه‌ساز عضویت بیشتر در نهادها را فراهم ساخته است. بدین ترتیب می‌توان گفت، روستاهای واقع در طبقه سوم از سرمایه اجتماعی برون‌گروهی بیشتری برخوردارند.

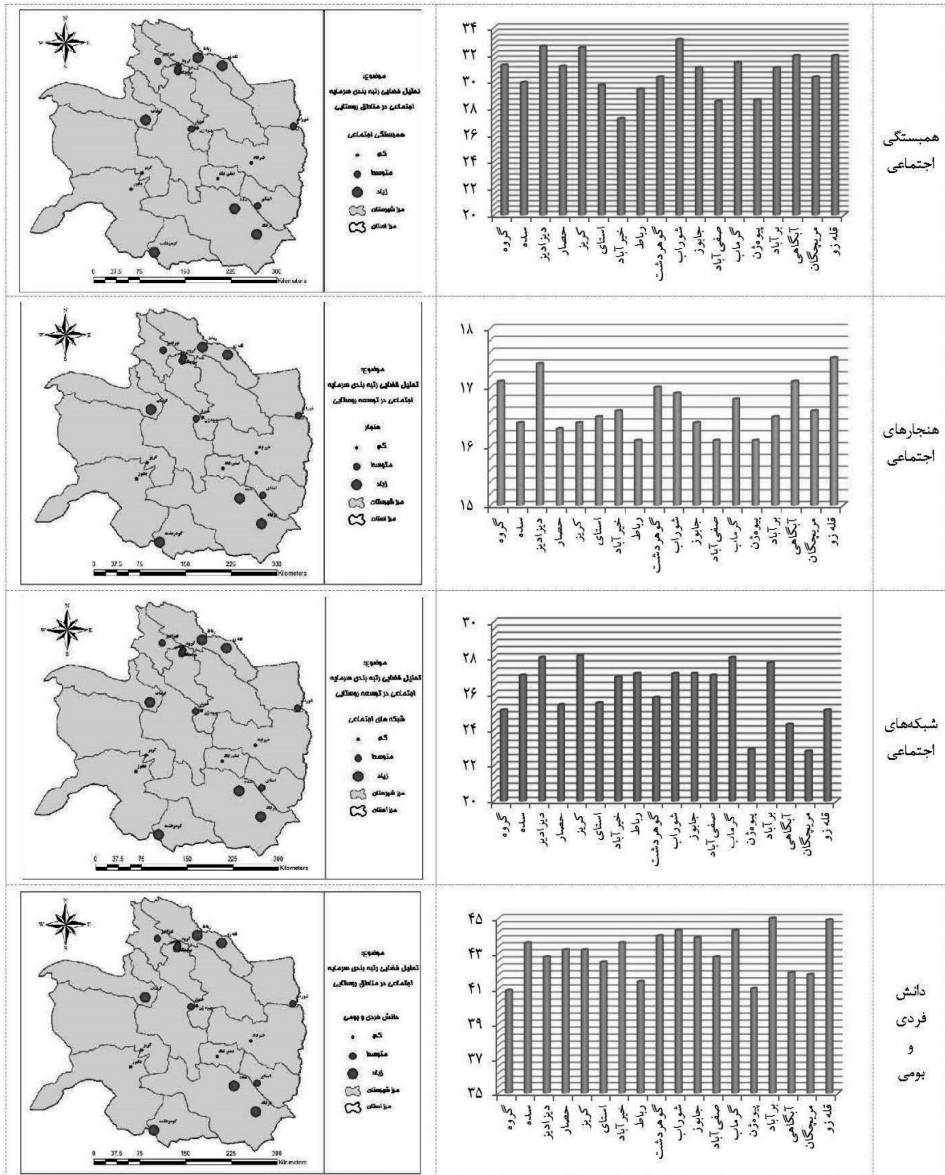
جدول (۵) وضعیت روستاهای نمونه به لحاظ شاخصهای سرمایه اجتماعی

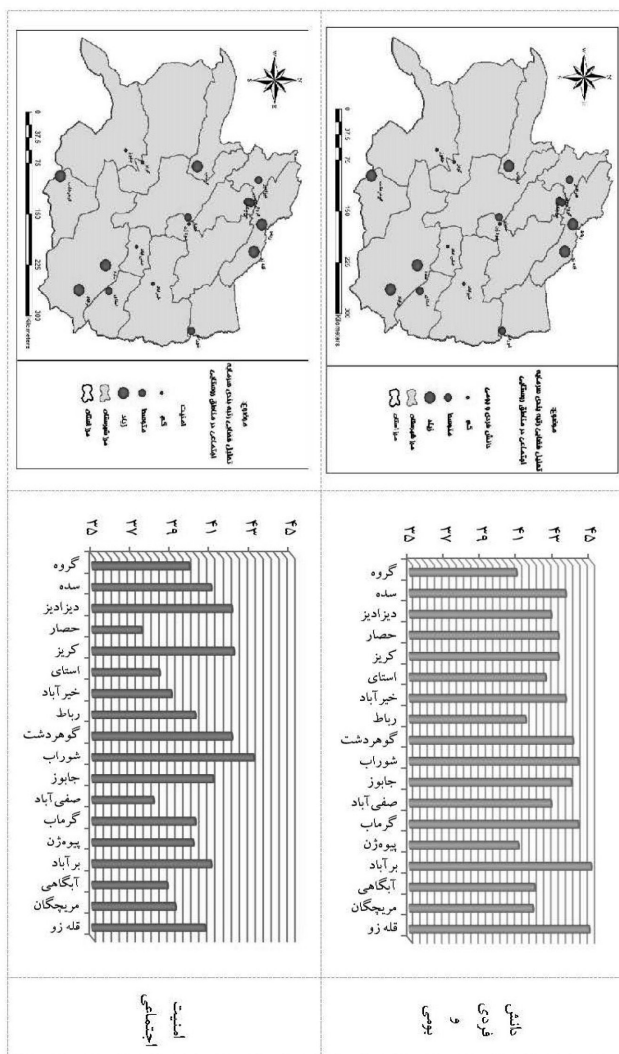
طبقات	نام روستا			مشارکت			همبنداری اجتماعی			همسنگی اجتماعی			شبکه‌های اجتماعی			اقتصاد						
	M	SD	رتبه	M	SD	رتبه	M	SD	رتبه	M	SD	رتبه	M	SD	رتبه	M	SD	رتبه				
طبقه اول	سده			۱۴	۸/۶	۱۴	۱۶/۵			۱۳	۴/۳	۹	۲۹/۷			۱۲	۶/۸	۱۲	۴۸			
	سمن‌آباد			۶	۸	۸	۱۰	۱/۵	۱۰	۱۸	۴/۲	۱۰	۱۰	۱۷	۴/۳	۱۰	۶/۳	۶		۱۲		
	خیرآباد			۸	۸	۸	۱۶	۱/۵	۱۰	۱۸	۴/۳	۹	۱۰	۶/۳	۱۰	۶/۳	۶	۱۲				
	استاقی			۱۶	۷	۱۱	۱۱	۲	۱۳	۳/۷	۱۵	۳/۷	۱۳	۱۲	۵/۸	۱۲	۶/۳	۱۱	۱۱	۴۸/۵		
	دیزل‌ایزیر			۳	۶/۴	۲	۱۴	۰/۹	۲	۳	۳/۱	۳	۳	۲	۵/۱	۳	۵	۱	۹			
	کیزر			۱۲	۷/۲	۱۴	۱۷	۲/۵	۳	۳/۲	۳	۳/۲	۳	۳	۵/۱	۳	۷/۳	۹	۹			
	قلندرز			۱	۷/۳	۱	۱۷	۵/۵	۴	۳	۷/۲	۴	۳	۳	۵/۱	۱۴	۶/۳	۵/۱	۳	۴۸/۵		
	بیوه‌زان			۱۵	۶	۱۷	۱۷	۱/۵	۱۶	۳/۲	۱۶	۲/۲	۸	۱۲	۴/۶	۱۷	۵/۸	۱۷	۱۷			
	حصار			۷	۶/۵	۱۵	۱۶	۱/۹	۱۵	۲/۹	۸	۲/۲	۷	۱۳	۴/۳	۱۳	۴/۳	۱۳	۱۳			
	طبقه سوم			گروه			۱۷	۷/۶	۳	۱۷	۳/۲	۷	۱۱	۱۵	۳/۲	۱۵	۵/۸	۵	۳	۴۸/۷		
				گورهدشت			۸	۶/۷	۵	۱۷	۱/۵	۱۱	۴/۱	۱۱	۱۱	۴/۳	۱۱	۴/۳	۱۱		۴/۳	۲
				شوراب			۹	۵/۸	۶	۱۷	۱/۷	۳	۳/۱	۱	۳	۳/۱	۶	۵/۱	۶		۵/۱	۷
				آنگامی			۱۰	۵/۸	۴	۱۷	۱/۶	۳	۳/۲	۵	۳	۳/۲	۱۶	۵/۲	۱۶		۵/۲	۸
				میرچگان			۱۱	۵/۳	۹	۱۷	۱/۶	۳	۳/۱	۱۲	۳/۱	۱	۳	۳/۱	۱۶		۵/۲	۱۶
	ربط			۱۸	۵/۳	۱۸	۱۷	۱/۴	۱۵	۴/۳	۱۵	۴/۳	۱۵	۳	۴/۳	۱۵	۴/۳	۱۵	۱۸	۱۸		

ادامه جدول (۵) وضعیت روستاهای نمونه به لحاظ شاخصهای سرمایه اجتماعی

طبقه	نام روستا	عضویت در نهادهای دولتی / خصوصی				رضایت از عملکرد نهادها				آگاهی و دانش (بومی / رسمی)				امنیت اجتماعی					
		M	SD	رتبه	میانگین طبقه	M	SD	رتبه	میانگین طبقه	M	SD	رتبه	میانگین طبقه	M	SD	رتبه	میانگین طبقه		
طبقه سوم	ریاض	۱۱/۳	۳/۱	۱۵	۱۱/۳	۲/۸	۱۲	۳/۱۳	۳	۵۱	۳/۳	۳	۳	۳/۳	۵/۳	۱۰	۳/۳	۵/۳	
	مریچگان	۱۰	۴/۷	۱۷	۷/۱	۳	۵۱	۱/۳	۶۱	۱/۳	۶۱	۳	۳	۱/۳	۵/۳	۳۱	۳/۳		
	آبگامی	۱۰/۱	۳/۴	۶۱	۱۱	۳/۳	۴۱	۶/۱۳	۷/۳	۳۱	۳/۳	۳۱	۳	۳/۳	۱/۳	۳/۳	۱		۳/۳
	شوراب	۶/۳۱	۱/۳	۵	۳/۳	۷/۸	۵	۳/۳۳	۸/۸	۳	۳/۳	۳	۳	۳/۳	۳/۳	۳/۳	۱		۳/۳
	گوهردشت	۸/۲۱	۵	۵	۳/۳	۵/۸	۱	۳	۶/۸	۵	۳	۵	۳	۳	۳	۳	۳		۳
	گروه	۸/۶	۵/۸	۷۱	۸/۱۱	۳	۱۱	۶/۰۳	۳/۳	۷۱	۷۱	۷۱	۷۱	۷۱	۵/۳	۵/۳	۳۱		۳/۳
طبقه دوم	حصار	۷/۳۱	۲/۸	۶	۳/۰۱	۲/۸	۶۱	۳/۳	۵	۰۱	۵/۳	۵/۳	۵/۳	۵/۳	۵/۳	۷۱	۷۱	۱/۳	
	پیروزن	۳/۱۱	۳/۳	۳۱	۱/۶	۳/۸	۷۱	۱۳	۱/۳	۸۱	۸۱	۸۱	۸۱	۱/۳	۵/۳	۱۱	۱۱		
	قله‌زرو	۴	۷/۳	۳	۳/۲۱	۳	۸	۶/۳۳	۵/۸	۲	۲	۲	۲	۳/۳	۳/۳	۷	۷		
	کریز	۶/۲۱	۵/۳	۱۰	۳/۲۱	۲/۸	۶	۳/۳۳	۵/۸	۲	۲	۲	۲	۳/۳	۳/۳	۷	۷		
	دین‌دیز	۳/۱۱	۸/۸	۳۱	۳/۲۱	۳/۸	۵	۳/۳۳	۱/۳	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳/۳	۳/۳	۳	۳		
	استای	۸/۲۱	۸/۵	۳	۳/۲۱	۶/۸	۸۱	۵/۳	۵	۳۱	۳/۳	۳/۳	۳/۳	۳/۳	۳/۳	۳/۳	۳/۳		
طبقه اول	سده	۵/۳۱	۲/۳	۱	۱/۲۱	۲/۸	۱۰	۶/۳	۵/۳	۷	۷	۷	۷	۱/۳	۵	۸	۸	۴	
	خیرآباد	۱/۲۱	۶/۸	۱۱	۳/۲۱	۱/۸	۳	۶/۳	۳/۵	۸	۸	۸	۸	۳/۳	۶/۸	۴۱	۴۱		
	برآباد	۳/۴	۶/۳	۲	۵/۲۱	۳	۳	۷/۵	۳/۸	۱	۱	۱	۱	۱/۳	۸/۵	۶	۶		
	صفی‌آباد	۶/۱۱	۴/۶	۱۱	۵/۱۱	۶/۸	۱۳	۷/۳	۱/۳	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱/۳	۷/۸	۷۱	۷۱		
	گرماب	۳/۳۱	۴/۵	۷	۳/۲۱	۷/۸	۷	۳/۳۳	۳/۵	۳	۳	۳	۳	۳/۳	۳/۳	۳/۳	۳/۳		
	جابوز	۱۳/۳	۵/۳	۸	۳/۳	۲/۷	۲	۳/۳	۵/۵	۶	۶	۶	۶	۱/۳	۳/۳	۵	۵		







شکل (۲) توزیع فضایی سرمایه اجتماعی در روستاهای نمونه به تفکیک شاخصهای تحقیق

رتبه‌بندی سرمایه اجتماعی روستاهای نمونه با استفاده از تکنیک TOPSIS

تاکنون از روشها و مدل‌های متفاوتی برای سنجش و اولویت‌بندی سکونتگاههای روستایی استفاده شده است که در این میان بهره‌گیری از روشهای چندشاخصه، دارای اهمیت بیشتری است. با تکوین و توسعه روشهای تصمیم‌گیریهای چندشاخصه و به‌ویژه ترکیب مدل‌های فازی و شکل‌گیری روشهای چندشاخصه فازی، سنجش و اولویت‌بندی مراکز روستایی در مرحله جدیدی قرار گرفته است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۹).

در روش تاپسیس در واقع، نزدیکترین گزینه به راه‌حل ایده‌آل مثبت و در فاصله دورتری از راه‌حل ایده‌آل منفی انتخاب می‌شود. یک راه‌حل ایده‌آل مثبت از کمترین مقدار عملکرد برای هر معیار تشکیل شده است در حالی که راه‌حل ایده‌آل منفی متشکل از بدترین مقادیر عملکرد است (آواشی^۱، ۲۰۱۱). به‌طور اجمال در روش تاپسیس، ماتریس که دارای گزینه و معیار است، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این الگوریتم، فرض می‌شود هر شاخص و معیار در ماتریس تصمیم‌گیری، دارای مطلوبیت افزایشی و یا کاهش‌یکنوخت است و به بیان دیگر مقادیر زیادتری که معیارها در این ماتریس کسب می‌کنند، اگر از نوع سود بود، هرچه مقدار آن بیشتر باشد، دارای مطلوبیت بالاتر و اگر از نوع هزینه بود، دارای مطلوبیت پایین‌تری است. از امتیازات مهم این روش آن است که به‌طور همزمان می‌توان از شاخصها و معیارهای عینی و ذهنی استفاده کرد. با این حال لازم است در این مدل جهت محاسبات ریاضی، تمامی مقادیر نسبت داده شده به معیارها از نوع کمی بوده و در صورت کیفی بودن نسبت داده شده به معیارها، می‌باید آنها را به مقادیر کمی تبدیل کرد. با این وجود پیشنهاد می‌شود که روش تاپسیس در هنگامی که تعداد شاخصها و اطلاعات در دسترس محدود است، مورد استفاده قرار گیرد (طاهرخانی، ۱۳۸۶).

با توجه به وزن هر یک از شاخصهای سرمایه اجتماعی، اکنون می‌توان وضعیت روستاهای نمونه را بر اساس مدل تصمیم‌گیری چندشاخصه (TOPSIS) مشخص کرد (جدول ۶).

1. Awasthi

جدول (۶) رتبه‌بندی سرمایه اجتماعی روستاهای نمونه با استفاده از تکنیک TOPSIS

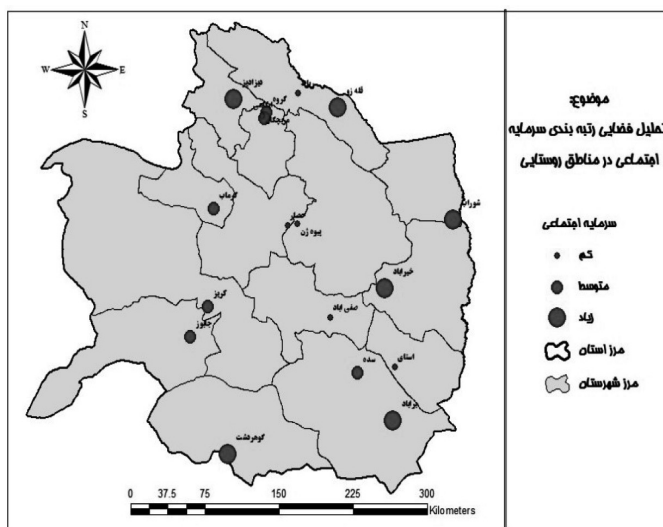
رتبه روستا	وضعیت سرمایه اجتماعی	رتبه روستا	(ضریب اولویت) Ci	روستا	ردیف
۸	متوسط	۸	۰/۴۹۷۷	گروه	۱
۱۲	متوسط	۱۲	۰/۲۴۹۷	سده	۲
۱	زیاد	۱	۰/۹۳۵۳	دیزادیز	۳
۱۴	کم	۱۴	۰/۱۷۴۴	حصار	۴
۹	متوسط	۹	۰/۴۴۷۹	کریز	۵
۱۳	کم	۱۳	۰/۲۰۳۲	استای	۶
۶	زیاد	۶	۰/۵۳۳۳	خیرآباد	۷
۱۷	کم	۱۷	۰/۰۳۴۵	رباط	۸
۲	زیاد	۲	۰/۸۶۱۵	گوهردشت	۹
۵	زیاد	۵	۰/۶۵۳۳	شوراب	۱۰
۱۱	متوسط	۱۱	۰/۳۳۷۳	جابوز	۱۱
۱۶	کم	۱۶	۰/۰۹۴۴	صفی‌آباد	۱۲
۷	متوسط	۷	۰/۵۱۵۲	گرماب	۱۳
۱۸	کم	۱۸	۰/۰۲۴۵	پیوه‌ژن	۱۴
۴	زیاد	۴	۰/۷۴۷۲	برآباد	۱۵
۱۰	متوسط	۱۰	۰/۴۳۷۷	آبگاهی	۱۶
۱۵	کم	۱۵	۰/۱۱۸۵	مریچگان	۱۷
۳	زیاد	۳	۰/۷۹۷۴	قله‌زو	۱۸

اولویت‌بندی روستاهای نمونه با مدل تاپسیس نشان می‌دهد که از میان ۱۸ روستای مورد مطالعه، روستای دیزادیز (شهرستان قوچان) دارای بیشترین سرمایه اجتماعی و روستای

پیوه‌ژن (شهرستان مشهد) دارای کمترین سرمایه اجتماعی می‌باشد. همچنین با توجه به رتبه‌بندی روستاها به روش تاپسیس، روستاهای نمونه به سه طبقه روستاهای با سرمایه اجتماعی کم، روستاهای با سرمایه اجتماعی متوسط و روستاهای با سرمایه اجتماعی زیاد، بر اساس رتبه سرمایه اجتماعی (CI) دسته‌بندی شدند. بدین ترتیب در منطقه مورد مطالعه، روستاهای دیزادیز (قوچان)، گوهردشت (گناباد)، قله‌زو (کلات)، برآباد (خواف)، شوراب (سرخس) و خیرآباد (ترت جام) دارای سرمایه اجتماعی زیاد؛ روستاهای گرماب (فیروزه)، گروه (چناران)، کریز (کاشمر)، آبگاهی (چناران)، جابوز (خلیل آباد) و سده (خواف) دارای سرمایه اجتماعی متوسط؛ و در نهایت روستاهای استای (باخرز)، حصار (نیشابور)، مریچگان (چناران)، صفی‌آباد (زاوه)، رباط (کلات) و پیوه‌ژن (مشهد) دارای سرمایه اجتماعی کم هستند. براین اساس، سطح بندی روستاهای مورد مطالعه به لحاظ سرمایه اجتماعی در جدول (۷) نشان داده شده است. همچنین نقشه (۲) نشان‌دهنده نابرابری فضایی سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی استان خراسان رضوی است.

جدول (۷) سطح بندی روستاهای مورد مطالعه به لحاظ سرمایه اجتماعی

روستاهای نمونه	سطوح سرمایه اجتماعی
دیزادیز، گوهردشت، قله‌زو، برآباد، شوراب، خیرآباد	سطح سرمایه اجتماعی زیاد
گرماب، گروه، کریز، آبگاهی، جابوز، سده	سطح سرمایه اجتماعی متوسط
استای، حصار، مریچگان، صفی‌آباد، رباط، پیوه‌ژن	سطح سرمایه اجتماعی کم

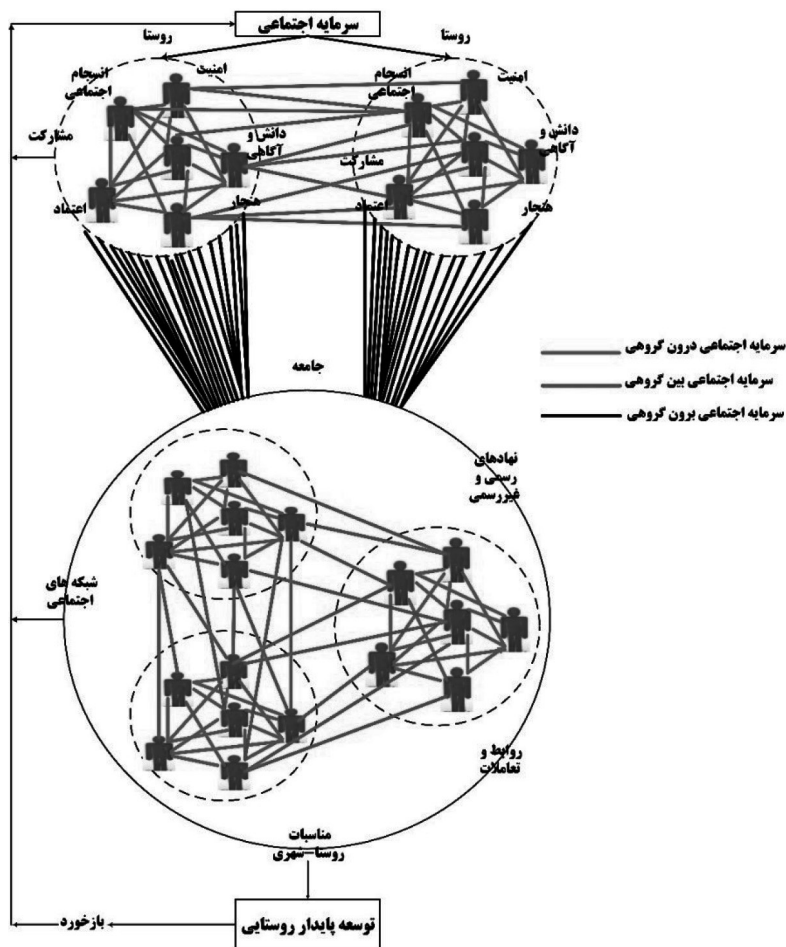


نقشه (۲) نابرابری فضایی سرمایه اجتماعی روستاهای نمونه در منطقه مورد مطالعه

بنابراین با عنایت به یافته‌های به دست آمده می‌توان اذعان داشت، بخشی از نابرابری فضایی سرمایه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه ناشی از تفاوت در میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی است. کم‌توجهی و سرمایه‌گذاری اندک در زمینه تقویت و توسعه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی از جمله اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی ضعیف روستاییان در ارتباط با نهادهای غیررسمی و داوطلبانه، روابط و تعاملات اندک و ناپیوسته، شبکه‌های اجتماعی ضعیف، فراهم‌نبودن زمینه مشارکت روستاییان در برنامه‌ریزیهای مختلف مربوط به روستا و ... و به‌طورکلی شرکت‌ندادن روستاییان در بازیهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سبب عدم توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی روستاها می‌شود.

با عنایت به این مسأله، رسیدن به وضعیت مطلوب سرمایه اجتماعی و کاهش نابرابریهای

فضایی سرمایه اجتماعی مستلزم پرکردن شکاف بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی روستاهاست؛ مسأله پراهمیتی که روستاهای ما به شدت با آن مواجه هستند و می‌توان به‌عنوان یکی از دلایل عمده واپس‌ماندگی روستاها در ایران دانست (شکل ۳).



شکل (۳) مدل مطلوب سرمایه اجتماعی مناطق روستایی

بحث

همانطور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، روستای قله‌زو با میانگین ۵۷/۲ و روستای رباط با میانگین ۵۲/۵ به ترتیب بیشترین و کمترین میزان مشارکت؛ روستای شوراب (۳۳/۱) و خیرآباد (۲۷/۲) به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی اجتماعی؛ روستاهای دیزادیز (۵۲/۴) و رباط (۴۵/۱) بیشترین و کمترین سطح اعتماد؛ سده با میانگین ۱۴/۵ و گروه با میانگین ۹/۷ بیشترین و کمترین میزان عضویت در نهادها و مؤسسات دولتی و غیردولتی / مردمی؛ روستای کریم (۲۸/۱) و روستای مریچگان (۲۲/۸) بیشترین و کمترین شبکه‌های اجتماعی؛ روستای قله‌زو با میانگین ۱۷/۵ و روستاهای رباط، صفی‌آباد و پیوه‌ژن با میانگین ۱۶/۱ به ترتیب بیشترین و کمترین میزان اعتماد اجتماعی؛ روستای قله‌زو با ۴۴/۹ و روستای گروه با میانگین ۴۰/۹ به ترتیب بیشترین و کمترین میزان دانش فردی و بومی؛ در ارتباط با امنیت، در بین روستاهای نمونه، حصار با میانگین ۳۷/۵ دارای کمترین میزان امنیت و روستای شوراب با میانگین ۴۳/۱ دارای بیشترین امنیت است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که از میان ۱۸ روستای مورد مطالعه، روستای دیزادیز (قوچان) دارای بیشترین سرمایه اجتماعی و روستای پیوه‌ژن (مشهد) دارای کمترین میزان سرمایه اجتماعی است. همچنین وضعیت شاخصهای سرمایه اجتماعی به تفکیک طبقات موردمطالعه نیز نشان داد، طبقه اول (روستاهای دشتی با فاصله اندک از شهر و تعداد خانوار زیاد)، بالاترین میانگین را در ارتباط با شاخصهای مشارکت، شبکه‌های اجتماعی، عضویت در نهادهای دولتی / خصوصی و مردم‌نهاد، رضایت از عملکرد نهادها و نیز آگاهی و دانش بومی و رسمی دارند؛ طبقه دوم (روستاهای دامنه‌ای با فاصله متوسط از شهر و تعداد خانوار در سطح متوسط)، تنها در ارتباط با شاخص همبستگی اجتماعی میانگین بالایی را به خود اختصاص داده‌اند؛ و طبقه سوم (روستاهای کوهستانی با فاصله زیاد از شهر و تعداد خانوار اندک)، به لحاظ

هنجارهای اجتماعی، اعتماد و امنیت از وضعیت بسیار مطلوبی برخوردارند. همچنین با توجه به رتبه‌بندی روستاها به روش تاپسیس، روستاهای نمونه به سه طبقه روستاهای با سرمایه اجتماعی کم، روستاهای با سرمایه اجتماعی متوسط و روستاهای با سرمایه اجتماعی زیاد، بر اساس رتبه سرمایه اجتماعی (CI) دسته‌بندی شدند. بدین ترتیب در منطقه مورد مطالعه، روستاهای دیزادیز، گوهردشت، قله‌زو، برآباد، شوراب و خیرآباد دارای سرمایه اجتماعی زیاد؛ روستاهای گرماب، گروه، کرین، آبگهی، جابوز و سده دارای سرمایه اجتماعی متوسط؛ و در نهایت روستاهای استای، حصار، مریچگان، صفی‌آباد، رباط و پیوه‌ژن دارای سرمایه اجتماعی کم می‌باشند.

بر اساس نتایج این تحقیق می‌توان دریافت، پراکندگی روستاها به لحاظ سرمایه اجتماعی در بخشهای مختلف استان خراسان رضوی ناهمگن بوده و نمی‌توان مرزبندی مشخصی از روستاها بر اساس میزان سرمایه اجتماعی آنها ارائه داد. همچنین تفاوت مشخصی به لحاظ سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی متناسب با ماهیت، ویژگیها و مشخصه‌های اصلی هر طبقه (وضعیت طبیعی، فاصله از شهر و تعداد خانوار) نمایان است. چنانکه زیمل نیز مدعی است، نوعاً مشارکت‌کنندگان برحسب آنکه به لحاظ فضایی مجاور یکدیگر یا جدا از یکدیگر باشند، ماهیت روابط اجتماعی تغییر می‌کند. روابط مبتنی بر قرابت فیزیکی شدیدتر از روابط مبتنی بر فاصله فیزیکی زیاد است. در قرابتهای فیزیکی امکان نظارت بر روابط اجتماعی و نکته‌گیریهای گروهی بیشتر است. چون او تراکم بالا را باعث قرابت فیزیکی زیاد می‌داند طبعاً، در محله‌هایی که این تراکم بالاست روابط اجتماعی شدیدتر خواهد بود. یافته‌های پژوهش مؤید این مطلب است که، روستاهای کوچک با فاصله بیشتر از شهرها (طبقه سوم)، هنوز نسبت به هنجارهای اجتماعی پایبندی بیشتری داشته، میزان اعتماد در بین روستاییان حفظ شده و احساس امنیت بیشتری دارند که اینها مشخصه‌های بارز سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است. در مقابل، روستاهایی که

بزرگ‌تر بوده و از خانوارهای بیشتر برخوردارند و همچنین به شهرها نزدیک هستند، بواسطه همین نزدیکی میزان ارتباطاتشان با شهرها بیشتر است، بنابراین ضمن دارابودن شبکه‌های اجتماعی وسیعتر، از آگاهی و دانش بیشتری نیز برخوردارند. مشخصه‌های ذکر شده منجر به آشنایی بیشتر روستاییان با نهادهای خصوصی و مردمی شده است که زمینه‌ساز عضویت بیشتر در نهادها را فراهم ساخته است. بدین ترتیب می‌توان گفت، روستاهای واقع در طبقه سوم از سرمایه اجتماعی برون‌گروهی بیشتری برخوردارند. بنابراین با عنایت به یافته‌های به‌دست آمده می‌توان ادعان داشت، بخشی از نابرابری فضایی سرمایه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه ناشی از تفاوت در میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی می‌باشد. چنانکه ولکاک ادعان می‌دارد، اجتماعاتی که از نعمت مجموعه گوناگونی از شبکه‌های اجتماعی و انجمنهای مدنی برخوردارند در وضعیت محکم‌تری در روبرویی با فقر، آسیب‌پذیری و حل اختلاف قرار دارند و بهتر می‌توانند از فرصتهای جدید بهره ببرند. کم‌توجهی و سرمایه‌گذاری اندک در زمینه تقویت و توسعه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی از جمله اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی ضعیف روستاییان در ارتباط با نهادهای غیررسمی و داوطلبانه، روابط و تعاملات اندک و ناپیوسته، شبکه‌های اجتماعی ضعیف، فراهم نبودن زمینه مشارکت روستاییان در برنامه‌ریزیهای مختلف مربوط به روستا و و به‌طورکلی شرکت ندادن روستاییان در بازیهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سبب عدم توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی روستاها در بسیاری از مناطق روستایی ایران از جمله روستاهای مورد مطالعه گردیده است. با عنایت به این مسأله، رسیدن به وضعیت مطلوب سرمایه اجتماعی و کاهش نابرابریهای فضایی سرمایه اجتماعی، مستلزم پر کردن شکاف بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی روستاهاست؛ مسأله پراهمیتی که روستاهای ما به‌شدت با آن مواجه هستند و می‌توان به‌عنوان یکی از دلایل عمده واپس‌ماندگی روستاها در ایران دانست.

- افروغ، ع. (۱۳۷۷). خرده‌فرهنگها، مشارکت و وفاق اجتماعی. *مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پورطاهری، م. و همکاران (۱۳۸۹). سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی، با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی بر اساس تشابه به حل ایده‌آل فازی (مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده). *فصلنامه پژوهشهای روستایی*، ۱، ۳۲-۱.
- پیران، پ. و همکاران (۱۳۸۵). کارپایه مفهومی و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی در ایران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۲۳، ۴۴-۹.
- توسلی، غ. و موسوی، م. (۱۳۸۴). مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۶، ۳۲-۱.
- شکویی، ح. (۱۳۹۱). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*. جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- طاهرخانی، م. (۱۳۸۶). کاربرد تکنیک TOPSIS در اولویت‌بندی مکانی استقرار صنایع تبدیلی کشاورزی در مناطق روستایی. *فصلنامه پژوهشهای اقتصادی*، ۳، ۷۱-۵۹.
- غفاری، غ. (۱۳۹۰). *سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- یغفوری، ح. و همکاران (۱۳۹۶). بررسی عدالت فضایی در توزیع خدمات، با تأکید بر مدیریت شهری مطالعه موردی: محلات منطقه ۱۹ تهران. *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۳(۱۲۶)، ۱۲۸-۱۱۴.
- Adger, W. (2003). Social capital, collective action, and adaptation to climate change. *Economic Geography*, Available on <http://www.clarku.edu/econgeography>.
- Awasthi, A., Chauhan, S. S. & Omrani, H. (2011). Application of fuzzy TOPSIS in evaluating sustainable transportation systems, *Journal of Expert Systems with Applications*, 38, 12270-12280.
- Banerjee, A.V. & Iyer, L. (2005). History, Institutions and Economic Performance: The Legacy of Colonial Land Tenure Systems in India. *American Economic Review*, 95, 1190-1213.
- Binam, J. M., Abdoulaye, T., Olarinde, L., Kamara, A. & Adekunle, A. (2011). Assessing the Potential Impact of Integrated Agricultural Research for Development (IAR4D) on Adoption of Improved Cereal-Legume Crop Varieties in the Sudan Savannah Zone of Nigeria, *Journal of Agricultural & Food Information*, 12(2), 177-198.
- Bruhn, M. & Gallego, F. A. (2007). Good, Bad, and Ugly Colonial Activities: *Studying Development across the Americas*. Unpublished paper.

- Cramb, R. A. (2005). The role of social capital in the promotion of conservation farming: the case of land care in the South Philippines”, *School of Natural and Rural Systems Management*, Australia: The University of Queensland.
- DFID (1999). *Sustainable Livelihoods*. Guidance Sheets.
- Diaz, H. L., Drumm, R.D., Ramirez-Johnson, J. & Oidjav, H. (2002). Social Capital, Economic Development and Food Security in Peru’s Mountain Region. *International Social Work*, 45(4), 481–95.
- Firouzjaie, A., Sadighi, H. & Mohammadi, M. A. (2007). The influence of social capital on adoption of rural development programs by farmers in the Caspian Sea region of Iran. *American Journal of Agricultural and Biological Sciences*, 2(1), 15-22.
- Fulkerson, G. & Thompson, G. (2008). The evolution a contested concept: a meta-analysis of social capital definitions and trends (1988-2006). *Journal of Sociological Inquiry*, 78(4), 536-557.
- Grootaert, C. (1999). Social capital, household welfare and poverty in Indonesia. Washington D.C: The World Bank: *Local Level Institutions Working Paper*, 6.
- Grootaert, C. & Narayan, D. (2000). Local institutions, poverty, and household welfare in Bolivia. Washington, D.C: The World Bank: *Local Level Institutions Working Paper*, 9.
- Harper, R. (2002). The measurement of Social Capital in the United Kingdom. *Office for National Statistics*.
- Kanbur, R. & Venables, A. (2005). *Spatial inequality and development*. Oxford University publication.
- Kapur, S. & Kim, S. (2006). British Colonial Institutions and Economic Development in India. NBER Working Paper #12613. *National Bureau of Economic Research*, Cambridge, MA.
- Kilpatrick, S. (2004). Education and training institutions: Building social capital for regional development. *Research and Learning in Regional Australia*. University of Tasmania.
- Kim, S. (2007b). Institutions and U.S. Regional Development: A Study of Massachusetts and Virginia. NBER Working Paper #13431. *National Bureau of Economic Research*, Cambridge, MA.
- Kim, S. (2008). Spatial inequality and economic development: theo-

- ries, facts, and policies. *Commission on Growth and Development, Working paper* No. 16.
- Kroma, M. & Flora, C. (2001). An assessment of SARE-funded projects in the North Central Region, *American Journal of Alternative Agriculture*, 16(2), 18–31.
 - Martin, R., Kitson, M. & Tyler, P. (2004). *Regional Competitive Advantage*. London: Routledge.
 - Massey, D. (1992). *Politics and space/time*. *New Left Review*, 196, 65-84.
 - Narayan, D. & Cassidy, M. F. (2001). A dimensional approach to measuring social capital: Development and validation of a social capital inventory, *Current Sociology*, 49(2), 59–102.
 - Onyx, J. & Bullen, P. (1998). Measuring social in five communities in NSW, Neighborhood and community centers, *Journal of Applied Behavior*, 36(1).
 - Reid, C. & Salmen, L. (2002). Qualitative analysis of social capital: The case of agricultural extension in Mali. In: Grootaert, C., van Bastelaer, T. (Eds.). *Understanding and Measuring Social Capital: A Multi-disciplinary Tool for Practitioners*, Washington, D.C.: The World Bank.
 - Sakata, S. (2002). What is social capital?. In: Social Capital and International Cooperation, Tokyo: *Japan International Cooperation Agency* (in Japanese).
 - Woolcock, M. (1998). *Social Capital and Economic Development: Toward a Theoretical Synthesis and Policy Framework*. *Theory and Society*, 27.
 - Wu, B. & Pretty, J. (2004). Social connectedness in marginal rural China: The case of farmer innovation circles in Zhidan, North Shaanxi, *Agriculture and Human Values*, 21(1), 81–92.
 - Yokoyama, S. & Ishida, A. (2006). Social capital and community development: a review, From: Potential of Social Capital for Community Development. Japan: *the Asian Productivity Organization*.